

<https://doi.org/10.22067/jlkd.2024.89453.1267>



An Inquiry into Social and Communicative Aspects of Metaphor in Election Debates: A Complex Dynamic Systems Approach to Metaphor Analysis

Mahmood Naghizadeh¹

Assistant Professor in Linguistics, Payame-Noor University, Tehran, Iran
[HTTPS://ORCID.ORG/0000-0002-9442-620X](https://orcid.org/0000-0002-9442-620X)

Received: August 17, 2024 ✦ Revised: December 24, 2024
Accepted: December 24, 2024 ✦ Published Online: February 23, 2025

How to cite this article:

Naghizadeh, M. (2025). An Inquiry into Social and Communicative Aspects of Metaphor in Election Debates: A Complex Dynamic Systems Approach to Metaphor Analysis. *Journal of Linguistics and Khorasan Dialects*, 16 (4), 1-24. (in Persian with English abstract)
<https://doi.org/10.22067/jlkd.2024.89453.1267>

Abstract

Dynamical systems approach provides a theoretical framework for describing metaphor in face-to-face conversation and relies on the idea that metaphor is not static mapping between domains, but it is considered as a temporary stability that emerges from the interaction of interconnected systems of social use and cognitive activities in language. Drawing on dynamical systems approach, this study tried to study creating and understanding systematic metaphors in election debates in Persian. The data of this descriptive-analytical study were collected through observing debates for Iran parliament election in 2023. The results indicated that in creating metaphor as a self-organized process, embodied aspects of repeated biological experience such as far-near (getting away from the issue) and primary metaphors like *ایستادن به صورت عمودی است* (persistence is standing upright) are considered as points of equilibrium and basins for the emergence of metaphorical utterances. Furthermore,

1. Email: m.naghizadeh@pnu.ac.ir

different vehicle terms (gambling, right) were used to conceptualize the same topic (election). This variety in conceptualization might lead to different understanding and reasoning of the world and various unpredictable metaphorical expressions (phase change). Finally, creating such conceptual metaphors (سیس تان جسد نیمه جان یک انسان است) personalizing Sistan province as a dying human being), force schema (to overload a parliament bill) and novel metaphorical expressions (تقدیم کادو به مخالفین شرکت در انتخابات یا رقیب انتخاباتی) meaning “giving gifts to the opposition or rival candidates”) together with cultural components and contextual-cognitive elements may be considered as the ground for creating metaphors that are activated in nonlinear patterns and in different temporal and social scales.

Keyterms: Dynamical System Approach, Election Debates, Metaphor, Social and Commutative Aspects.



بررسی جنبه‌های اجتماعی و ارتباطی استعاره در مناظره‌های انتخاباتی: کاربری نظریه نظام‌های پویا در تحلیل گفتمان استعاری

محمود نقی‌زاده

استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران^۱

[HTTPS://ORCID.ORG/0000-0002-9442-620X](https://orcid.org/0000-0002-9442-620X)

صص ۱-۲۴

ارجاع به این مقاله:

نقی‌زاده، م. (۱۴۰۳). «بررسی جنبه‌های اجتماعی و ارتباطی استعاره در مناظره‌های انتخاباتی: کاربری نظریه نظام‌های پویا

در تحلیل گفتمان استعاری»، در نشریه علمی زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، زمستان، صص ۱-۲۴.

<https://doi.org/10.22067/jlkd.2024.89453.1267>

چکیده

رویکرد نظام‌های پویا چارچوبی را جهت توصیف استعاره در گفتگوهای رودررو ارائه می‌دهد که در آن استعاره نگاشت ثابت میان حوزه‌ها نیست؛ بلکه نوعی پایداری موقت است که از فعالیت نظام‌های در هم تنیده و مرتبط با کاربرد اجتماعی زبان و فعالیت شناختی حاصل می‌شود. هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی کاربرد درک عبارات استعاری در مناظره‌های انتخاباتی در زبان فارسی در چارچوب نظریه نظام‌های پویا می‌باشد. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و داده‌های تحقیق از طریق مشاهده مناظره‌های مردمی مربوط به انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۲ و از برنامه تلویزیونی به‌اضافه یک جمع‌آوری شده است. نتایج نشان می‌دهد که در کنش استعاری به عنوان فرایندی خودسازمانده، جنبه‌های بدنمند مربوط به تجارب پرتکرار زیستی از قبیل طرحواره‌های ذهنی دوری-نزدیکی (دور شدن از بحث) یا استعاره‌های اولیه‌ای نظیر مقاومت، ایستادن به صورت عمودی است (قد علم کردن) نقطه تعادل و بستر ظهور عبارات استعاری محسوب می‌شوند. به علاوه، تنوع در مفهوم‌سازی یک موضوع واحد (انتخابات) با استفاده از واژه‌های حامل متفاوت (قمار، حق)، باعث فهم و استدلال متفاوت از دنیای پیرامون و ظهور عبارات استعاری متنوع (تغییر فاز) در گفتمان می‌شود.

دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷ :: بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴ :: پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴ :: انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵

۱. m.naghizadeh@pnu.ac.ir

پست الکترونیکی:

ضمناً، بکارگیری استعاره‌های مفهومی (سیستان جسد نیمه‌جان یک انسان است)، استفاده از طحواة نیرو (سنگین کردن بار طرح) و کاربرد عبارات استعاری بدیع (تقدیم کادو به مخالفین شرکت در انتخابات یا رقیب انتخاباتی) در کنار مؤلفه‌های فرهنگی و عناصر بافتی-شناختی به صورت غیرخطی و در مقیاس‌های زمانی و اجتماعی متفاوت شرایط مقتضی برای بیان نگرش و اقناع مخاطبین جهت شرکت یا عدم شرکت در انتخابات را فراهم می‌آورد.

واژه‌های کلیدی: استعاره، جنبه‌های اجتماعی و ارتباطی، مناظره‌های انتخاباتی، نظریه نظام‌های پویا

۱. مقدمه

رویکرد پویا^۱ به استعاره به عنوان رویکردی نوین به کاربرد عبارات استعاری در تعاملات اجتماعی و بافت‌های زبانی، شناختی، عاطفی، فیزیکی و فرهنگی می‌پردازد (کامرون^۲، ۲۰۱۰: ۷۷). پژوهشگران در این حوزه با مطالعه استعاره در جهت توجیه شیوه کاربرد استعاره، طریقه ساختاری شدن عبارات استعاری، نحوه بروز و آکنش به استعاره، روش بسط استعاره در طول گفتگو و چگونگی استفاده از استعاره برای بیان اهداف گفتمانی گام برمی‌دارند (کامرون^۳، ۲۰۰۷ ب). از این منظر، گفتمان حاصل تعامل نظام‌های پیچیده متعدد از قبیل ذهن، زبان و سازوکارهای مفهومی است که در مقیاس‌های زمانی و سطوح اجتماعی مختلف با هم در کنش متقابل هستند. در نظام‌های پویا، هم عناصر موجود در نظام و هم روابط میان عناصر به طور پیوسته در حال تغییر و دگرگونی هستند (کامرون^۴، ۲۰۰۳). در رویکرد پویا به استعاره، از مفاهیمی نظیر اصل خودسازماندهی^۵ (عدم دخالت نیروهای بیرونی در ظهور ساختار نظام پویا)، مفهوم ظهوریافتگی^۶ (غیرقابل پیش‌بینی بودن ساختارهای استعاری، گذرا بودن) و اصل تغییر (عدم پایداری) برای توصیف فرایند خلق و درک عبارات استعاری بهره برده می‌شود (گیبب^۷ و کامرون، ۲۰۰۸).

مطالعات شناختی پیشین در حوزه استعاره اغلب به بررسی توانایی شناختی افراد در ایجاد نگاشت میان حوزه‌های مختلف و کنکاش راجع به سازوکارهای دخیل در خلق عبارات‌های استعاری پرداخته و استعاره را پدیده‌ای صرفاً ذهنی، فردی یا عصب‌شناختی در نظر می‌گرفتند (گیبب^۸، ۲۰۰۳). از همین رو، بعضی محققان (کامرون^۹ و دیگران،

1. dynamic approach
2. Cameron
3. self-organization
4. emergence
5. Gibbs

۲۰۰۹؛ [گیبیز](#)، ۲۰۱۲) بر این باورند که در رویکرد شناختی به موضوع تأثیر زبان بر استعاره کمتر پرداخته شده و نقش مؤلفه‌های بافتی و ماهیت‌گفتگویی کاربرد استعاره نادیده گرفته شده است. برخی دیگر ([چارتریس](#) بلک^۱، ۲۰۰۶؛ [گوتلی](#)^۲، ۲۰۰۷) معتقدند که برداشت مفهومی صرف از استعاره باعث غفلت از جنبه‌های اجتماعی - ارتباطی و همچنین کارکرد بلاغی این پدیده در گفتمان می‌شود.

ادعای اساسی در پژوهش حاضر این است که در حین گفتگو و در ارتباط دوجانبه میان زبان و تفکر در یک گفتمان طبیعی، عوامل بدنمند اجتماعی، عاطفی، زبان‌شناختی و شناختی مختلف در راستای اهداف گفتمان و در مقیاس‌های زمانی متفاوت فعال شده و به شیوه‌ای پیچیده، به صورت هم‌زمان و غیرخطی با هم در تعامل هستند. این تعامل بر پایه موضوع^۳ (حوزه مقصد) و واژه‌های حامل^۴ (حوزه مبدأ) منجر به ایجاد الگوهای گوناگون و غیرقابل پیش‌بینی در رفتار استعاری افراد می‌شود که پیامد آن ظهور عبارات استعاری متنوع در گفتمان است ([کامرون](#)، ۲۰۰۷ ب). در این تحقیق تلاش می‌شود با لحاظ کردن مؤلفه‌های مربوط به نظام‌های پویا، تفسیری نو در زمینه خلق و درک استعاره ارائه شود. در این مطالعه، با هدف شناخت ماهیت استعاره و شیوه کاربرد آن، رفتار استعاری افراد در یک گفتمان مناظره‌محور و پویا مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه تلاش خواهد شد که بر مبنای نظریه نظام‌های پویای پیچیده به سؤالات زیر پاسخ دهیم.

۱. جنبه‌های بدنمند عوامل پویا چگونه در بروز و ظهور عبارات استعاری نقش ایفا می‌کنند؟
۲. چگونه می‌توان در قالب مفاهیم خودسازماندهی و ظهوریافتگی از استعاره به عنوان ابزاری برای آشکار کردن اندیشه‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های فردی و اجتماعی در یک گفتمان طبیعی بهره برد؟
۳. رویکرد پویا به استعاره چگونه می‌تواند الگوهای متنوع و غیرقابل پیش‌بینی در کاربرد استعاره در گفتمان را توجیه نماید؟

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات پیشین در باب استعاره را می‌توان از چند منظر از جمله از منظر ادبی، کاربردشناختی، شناختی و اجتماعی - فرهنگی مورد بررسی قرار داد. از دیدگاه سنتی، استعاره به عنوان یک آرایه ادبی و با هدف فشرده نمودن اطلاعات در یک عبارت، ایجاد تصویری شفاف و به یادماندنی، اقناع مخاطبین، رعایت ادب و نهایتاً با انگیزه ارائه مفاهیمی به کار

1. Charteris-Black
2. Goatly
3. topic
4. vehicle terms

برده می‌شود که بیان آنها به صورت تحت‌اللفظی مشکل است (گیبیز، ۲۰۱۷: ۲). در اواسط قرن بیستم، فیلسوفانی نظیر آستین، گرایس و سرل با مطالعه نقش بافت در استنباط منظور گوینده به جنبه‌های کاربردشناسی عبارات استعاری پرداختند. این نظریه پردازان بر این باور بودند که معناشناسی به تنهایی قادر به توجیه کاربرد استعاره نیست زیرا عبارات استعاری ماهیت غیرمستقیم داشته و بر تعارض میان آنچه گفته می‌شود و آنچه منظور گوینده می‌باشد استوار است (سادوک، ۱۹۹۳: ۵۷).

مطالعات شناختی در باب استعاره با پیدایش زبان‌شناسی شناختی و با تکیه بر مطالعات لیکاف و جانسون^۱ (۱۹۸۰) آغاز شده است. در این رویکرد، استعاره ماهیت مفهومی به خود گرفته و به عنوان نگاشت ذهنی میان دو حوزه از تجارب بشری تعریف می‌شود. از میان پژوهش‌های شناختی که در حوزه استعاره و با در نظر گرفتن تأثیر مؤلفه‌های زبانی، شناختی، اجتماعی و فرهنگی بر تولید و درک عبارات استعاری انجام شده است می‌توان به کووچیش^۲ (۲۰۰۵، ۲۰۱۵) اشاره کرد. کووچیش (۲۰۰۵) با مطالعه ارتباط میان جنبه همگانی و تنوع میان فرهنگی و درون فرهنگی در تفکر استعاری، از استعاره به عنوان ابزاری جهت شناخت فرهنگ یاد کرده و بر این باور است که تأثیر محیط و شرایط اجتماعی در مفهوم‌سازی استعاری را نمی‌توان انکار کرد. کووچیش (۲۰۱۵) عوامل بافتی دخیل در خلق استعاره‌ها در یک گفتمان طبیعی را به عوامل موقعیتی، عوامل زبانی، عوامل مفهومی-شناختی و عوامل جسمانی تقسیم‌بندی می‌نماید و معتقد است در استعاره مفهومی نباید تنها به وجود نگاشت میان دو حوزه مبدأ و مقصد بسنده کرد. تأکید صرف بر جنبه‌های ذهنی، فردی و عصب‌شناختی استعاره در اغلب مطالعات شناختی و غفلت از جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی در کاربرد استعاره، برخی پژوهشگران (گیبیز، ۲۰۱۳؛ کامرون، ۲۰۰۸؛ کامرون و دیگران، ۲۰۰۹؛ کامرون و دیگران^۳، ۲۰۰۶) را بر آن داشت تا با نقد الگوی شناختی، رویکردی نوآورانه به کاربرد استعاره در قالب نظریه نظام‌های پویا ارائه دهند. از نمونه مطالعات انجام شده در چارچوب این رویکرد می‌توان به گیبیز و کامرون (۲۰۰۸) اشاره کرد که به کنکاش در باب عوامل مؤثر در تولید و درک زبان استعاری در چارچوب رویکرد نظام‌های پویا پرداخته و شیوه تأثیر هم‌زمان مؤلفه‌های اجتماعی-شناختی مختلف در مقیاس‌های زمانی متفاوت را مورد مطالعه قرار داده است. آنها بر این باورند که عناصر دخیل در ایجاد استعاره ثابت و ایستا نیستند، بلکه دارای ماهیت پویا بوده و به صورت غیرخطی برای شکل‌دهی به کنش استعاری عمل می‌نمایند.

1. Lakoff & Johnson

2. Kovecses

3. Deignan

در همین راستا و در مطالعاتی مرتبط، کامرون و دیگنان (۲۰۰۶) و کامرون و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی نقش عوامل پویای گفتمانی در کاربرد استعاره و همچنین مطالعه عبارات استعاری به عنوان ابزاری جهت آشکار نمودن نیات، اندیشه‌ها و ارزش‌ها در چارچوب رویکرد نظام‌های پویا پرداخته‌اند. این پژوهشگران با نقد نگاه مفهومی صرف به استعاره بر ارتباط دو طرفه میان زبان و تفکر تأکید نموده و استعاره را حاصل تعامل میان اندیشه و زبان می‌دانند.

از جمله افرادی که در آثار خود به طور مفصل و از جنبه‌های متعدد به مطالعه استعاره از دیدگاه نظام‌های پویا پرداخته است ریموند گیز می‌باشد. گیز (۲۰۱۲) به بررسی استعاره در چارچوب نظام‌های پویا پرداخته و با مقایسه میان ساختار استعاره و ساختار پدیده‌های زیبای طبیعت نظیر دانه‌های برف و لانه موربان به این نتیجه می‌رسد که استعاره نیز مانند سایر رخداد‌های طبیعی از فرایند خودسازماندهی نشأت می‌گیرد. گیز (۲۰۱۳) در پژوهشی دیگر با انتقاد از رویکرد سنتی که قائل به جدایی فرایندهای ذهنی و فرایندهای اجتماعی هستند به مطالعات متعددی در زبان‌شناسی و روان‌شناسی اشاره دارد که شناخت را نوعی فعالیت اجتماعی و محیطی می‌دانند. وی مدعی است که رفتار استعاری افراد در حوزه‌های مرتبط با زبان از جمله زبان بدن، هنر و موسیقی را نمی‌توان به مؤلفه‌های فردی موجود در ذهن یا زبان تقلیل داد. گیز (۲۰۱۶) به مطالعه دلایل و اسباب بروز و ظهور رفتار استعاری در گفتمان پرداخته و ضمن تأکید بر نقش عنصر خودسازماندهی و تعامل نیروهای درونی یک نظام در خلق ساختارهای جدید بر این باور پافشاری می‌نماید که تعامل عوامل متعدد سبب ایجاد افکار، زبان و کنش‌های استعاری می‌شود. گیز (۲۰۱۹) مطالعه استعاره با رویکرد پویا و محیطی را برای شناخت نقش همه‌جانبه استعاره در زندگی افراد ضروری می‌داند و معتقد است ایجاد تمایز میان تفکر استعاری و کنش استعاری امکان‌پذیر نمی‌باشد زیرا تفکر استعاری خود منبع و منشأ بدنمند دارد.

در زبان فارسی نیز مطالعات فراوانی در حوزه استعاره از دیدگاه شناختی و در باب نقش ایدئولوژی و فرهنگ در ساخت و گزینش استعاره در گفتمان انجام شده است که از آن جمله می‌توان به لعل عارفی و همکاران (۱۴۰۰) و رضاپور (۱۳۹۶) اشاره کرد. در این مقالات، نویسندگان بر اهمیت جنسیت، نگرش و اندیشه شاعر، احساسات او و فضای اجتماعی حاکم بر روزگار شاعران در نوع مفهوم‌سازی عبارات استعاری تأکید نموده‌اند. اما چنانکه گفته شد رویکردهای غیرپویا به استعاره عبارات استعاری را در سطح واژگانی یا مفهومی مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مطالعات به رفتار پویا و تکوینی استعاره و چگونگی بروز و ظهور این پدیده در گستره گفتمان و در طول گفتگو اشاره نشده است. بنابراین، اتخاذ دیدگاه شناختی یا اجتماعی-فرهنگی صرف نیز تصویری کامل و گویا از کاربرد استعاره را

به دست نمی‌دهد (کامرون، ۱۹۹۹: ۴). تحقیق حاضر در راستای پژوهش‌های انجام شده در چارچوب نظریه نظام‌های پویا (کامرون، ۲۰۱۰؛ گیبز و کامرون، ۲۰۰۸؛ گیبز، ۲۰۱۲) بر آن است تا با استفاده از مفاهیم موجود در این نظریه مؤلفه‌های دخیل در تولید و درک استعاره در یک گفتمان طبیعی را مورد بررسی قرار دهد.

۳. چارچوب نظری

رویکرد پویا به استعاره برگرفته از نظریه نظام‌های پیچیده پویا می‌باشد که در حوزه علوم پایه نظیر زیست‌شناسی، ریاضی، فیزیک و سایر علوم طبیعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (گیبز و کامرون، ۲۰۰۸). این رویکرد با تلقی پدیده‌های زبانی و زبان‌شناختی به عنوان فرایند، جریان و حرکت (کامرون، ۲۰۰۳؛ کامرون و دیگنان، ۲۰۰۶؛ گیبز و کامرون، ۲۰۰۸) و با تأکید بر بعد زمانی فرایندهای اجتماعی و شناختی به دنبال کشف قوانین کلی حاکم بر چگونگی ظهور ساختارهای خودسازمانده، نحوه شکل‌دهی به این ساختارها و شیوه‌های پیش‌بینی تغییراتی ساختاری می‌باشد که منجر به تغییرات بنیادین در کل نظام می‌شود (گیبز، ۲۰۱۲: ۳۵۳). دیدگاه پویا به استعاره به میزان زیادی تحت تأثیر نظریه استعاره مفهومی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰) قرار دارد، اما آنچه این دورویکرد را از هم متمایز می‌نماید تأکید رویکرد پویا بر کاربرد زبان در موقعیت‌های اجتماعی (کامرون و دیگران، ۲۰۰۹) و اهمیت مقیاس‌های زمانی در تولید و درک عبارات استعاری است (لی^۱ و دیگران، ۲۰۲۴). از نظر گیبز و کامرون (۲۰۰۸)، رویکرد پویا به استعاره با بهره‌مندی از سه اصل خودسازماندهی، ظهوریافتگی و تغییر قادر به توجیه کاربرد عبارات استعاری در گفتمان می‌باشد.

بر اساس اصل خودسازماندهی، کنش استعاری در نتیجه اعمال کششگرهای^۲ مختلف، پویایی در پردازش اطلاعات، سلسله مراتب در مقیاس زمانی و اجتماعی و همچنین تعامل میان عناصر درونی موجود در یک نظام ظهور می‌یابد (گیبز، ۲۰۱۲: ۳۵۳). کششگرها نقاط پایداری^۳ یا تعادل^۴ در نظام پویا هستند که برخاسته از الگوهای رفتاری پرتکرار در بافت‌های محیطی می‌باشند و با اعمال نیرو بر نظام باعث جلب رفتار و نزدیکی مشی نظام به خود می‌شوند (گیبز و کامرون، ۲۰۰۸). به عنوان مثال، طرحواره‌های تصویری^۵ (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰) از قبیل مبدا-

1. Li
2. attractors
3. stability
4. equilibrium
5. image schemas

مسیر-هدف^۱، مقاومت^۲ و عمودی بودن^۳ و استعاره‌های اولیه^۴ (گریدی^۵، ۱۹۹۹) نظیر بالا بیشتر است^۶ یا دیدن دانستن است^۷ از جمله کششگرهای متفاوت در خلق و درک عبارات استعاری محسوب می‌شوند.

مفهوم ظهوریافتگی به تأثیر عناصر جزئی بر روند پیشرفت نظام، غیرقابل پیش‌بینی بودن ساختارهای استعاری، موقتی و گذرا بودن و نیز بزرگتر بودن کلیت پدیده از مجموع عناصر تشکیل دهنده آن اشاره دارد (گیبیز، ۲۰۱۶: ۵۵). نظریه نظام‌های پویا در راستای اصل ظهوریافتگی، چارچوبی را جهت توصیف استعاره در گفتگوی چهره به چهره فراهم می‌آورد که دارای دو ویژگی متمایز می‌باشد. ویژگی اول اینکه جنبه‌های زبانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی-فرهنگی به عنوان کششگرهای متفاوت به صورت غیرخطی در فرایند خلق استعاره دخالت دارند. ویژگی دوم نیز بر ارتباط تنگاتنگ بین زبان و تفکر دلالت دارد. تفکیک‌ناپذیر بودن تفکر و زبان در این رویکرد بیانگر این نکته است که صورت‌های زبانی بر نحوه ساختاری شدن تفکرات و عقاید افراد تأثیرگذار است (کامرون، ۲۰۰۷ الف). در حقیقت، بیشتر استعاره‌ها از حیث جایگاه ارزشی خود خنثی نیستند، بلکه حاوی مؤلفه‌های ایدئولوژیک و نگرشی می‌باشند (مون^۸، ۱۹۹۸ به نقل از لی و دیگران، ۲۰۲۴) و این خود حاصل تعامل سه عنصر گفتمان، شناخت و فرهنگ است (هامپه^۹، ۲۰۰۵: ۱۰۶؛ سینکی^{۱۰}، ۱۹۹۷: ۵).

عامل تغییر نیز یک رکن ادراکی بااهمیت در نظام‌های خودسازمانده می‌باشد که باعث می‌شود یک کششگر خاص ظهور پیدا کرده، برای مدت زمانی پابرجا بماند و سپس ناپدید شود (گیبیز، ۲۰۱۲: ۳۵۹). از این منظر، استعاره در نتیجه درهم‌کنش عناصر پویا در گفتمان و کاربرد زبان در میان افراد تکامل پیدا کرده و دچار تغییر و تحول می‌شود. این نوع جرح و تعدیل در رفتار استعاری به ظهور یا ایجاد ثبات در صورت‌های زبانی، محتوا، عواطف و جنبه‌های کاربردشناختی استعاره منجر می‌شود (کامرون، ۲۰۱۰: ۸۹).

در نتیجه تعامل نیروهای پویا و غیرخطی در یک نظام پیچیده (یک گفتگو)، این امکان وجود دارد که در نظام

1. source-path-goal
2. resistance
3. verticality
4. primary metaphors
5. Grady
6. more is up
7. seeing is knowing
8. Moon
9. Hampe
10. Cienki

ارتباطی، تغییراتی ناگهانی از یک کششگر به کششگر دیگر ایجاد شود که به آن تغییر فاز^۱ گفته می‌شود (کامرون و دیگنان، ۲۰۰۶). نوعی تغییر فاز یا تغییر کششگر را می‌توان در شکل زیر مشاهده کرد. شکل (۱) تصویری مبهم (زن جوان/زن پیر) را نشان می‌دهد که ترکیبی پیچیده از خطوط و سایه روشن‌هاست. زن پیر یا جوان هیچ کدام روی صفحه کاغذ وجود ندارد، بلکه در ذهن ما شکل گرفته است و از همین روست که با جلو و عقب رفتن تصویر ماهیت آن تغییر کرده یا به عبارت دیگر، نظام پویا دچار تغییر فاز می‌شود (گیبیز، ۲۰۱۲: ۳۵۷). تغییر در ماهیت تصویر شماره (۱) در راستای نگاه پویا و غیرخطی به پدیده‌ها و تمرکز بر دو کششگر متفاوت (دو تصویر متفاوت) در زمان‌های مختلف می‌باشد.



شکل (۱). زن پیر / زن جوان برگرفته از گیبیز (۲۰۱۲)

نکته حائز اهمیت در خصوص نقش کششگرها در فرایند خلق استعاره در نظام پیچیده زبان این است که با توجه به این‌که در خلال گفتگو یا مناظره، نیروهای پویای متعددی از قبیل ذهن، زبان، فرهنگ و مؤلفه‌های اجتماعی در مقیاس‌های زمانی متفاوت در یک نظام پیچیده در حال تعامل هستند، کششگرهای جدید (طرحواره‌های تصویری، استعاره‌های اولیه، ...) به صورت پیوسته بروز و ظهور نموده و با گذر زمان جای خود را به کششگرهای جدید می‌دهند (گیبیز و کامرون، ۲۰۰۸). در این موقعیت، درهم‌کنش نیروهای درونی در نظام پویای زبان مقدمات خودسازماندهی، ایجاد و درک عبارت استعاری با استفاده از الگوها و کششگرهای جدید را برای زمان مشخصی فراهم آورده و با تغییر موقعیت زمانی و بعد از آن بروز شرایط و کششگرهای جدید، نظام پویای زبان دوباره دستخوش تغییر می‌شود (گیبیز، ۲۰۱۲: ۳۵۸). بر این اساس، کاربرد استعاره تحت تأثیر فرایندهای گفتمانی شکل می‌گیرد که

در تعامل پیوسته و پویای بدن با دنیای پیرامون و افراد جامعه عمل کرده و در راستای ارتباط میان شناخت فردی، محیط اجتماعی و بافت فیزیکی فعال می‌شوند (گیبیز و کامرون، ۲۰۰۸). در تحقیق حاضر تلاش می‌شود در چارچوب رویکرد نظام‌های پویا و با بهره‌مندی از مؤلفه‌های اساسی در این رویکرد، به تحلیل عبارات استعاری مورد استفاده در مناظره‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بین دودیدگاه مختلف پرداخته تا از این راه بتوانیم از استعاره به عنوان ابزاری برای کشف عقاید، ارزش‌ها و نگرش‌گویشوران زبان فارسی بهره‌برده و دنیای اجتماعی و روان‌شناختی موجود در ورای این گفتمان‌ها را کشف و درک نماییم.

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. در این نوع پژوهش داده‌های جمع‌آوری شده با هدف رسیدن به یک فهم عمیق از نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و الگوهای فکری رایج در بین افراد جامعه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند (نساجی، ۲۰۱۵). در این مقاله، داده‌های تحقیق از مناظره‌های مردمی مربوط به انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران در سال ۱۴۰۲ و از برنامه به‌اضافه یک که از تاریخ ۱۲ بهمن تا ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۲ از شبکه سوم سیما پخش می‌شد جمع‌آوری شده است. در این برنامه که با حضور اقشار مختلف از جمله دانشجویان، فارغ‌التحصیلان دانشگاه در مقاطع مختلف، معلمان، وکلا و فعالان حوزه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برگزار می‌شد، افراد در دو دسته مخالف (منتقد) و موافق شرکت در انتخابات به بحث و تبادل نظر راجع به انگیزه‌ها یا علل شرکت یا عدم شرکت خود در انتخابات می‌پرداختند. در این بخش، بعد از پیاده‌سازی اظهارات افراد، ابتدا پارگفت‌های^۱ حاوی عبارات استعاری در مناظره‌ها را مشخص کرده و سپس با استفاده از مفاهیم موجود در چارچوب نظام‌های پویا از قبیل فرایند خودسازماندهی و مفهوم ظهوریافتگی به تحلیل رفتار و تفکر استعاری موجود در گفتمان‌های ارائه شده می‌پردازیم.

۵. تحلیل داده‌ها

در این بخش از مقاله، داده‌ها به صورت موضوعی و بر اساس سازوکار مورد استفاده در پارگفت‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. در گفتمان طبیعی موجود در پارگفت‌های (۳-۱)، وجود کششگرهایی از قبیل طرحواره‌های تصویری، استعاره‌های اولیه و استعاره‌های مفهومی بستر مناسب جهت بروز رفتار استعاری در گفتمان را فراهم می‌آورد.

۱. هیچ انسان عاقلی حق خودشو دور از خودش نمی‌بینه و جدا نمیندازه...

۲. ما حقمون رو تو مشتمون نگه می‌داریم.

در پارکفت‌های (۱-۲) همبستگی میان عامل فیزیکی نزدیکی (دور ندیدن حق و جدایی نینداختن) به عنوان تجربه‌ای بدنمند و همچنین مفهوم مالکیت (افراد معمولاً اموال خود را جهت محافظت بهتر نزدیک به خود نگه می‌دارند) بستر لازم جهت بروز پدیده خودسازماندهی بر پایه تجارب مکرر روزمره (کششگرها) را فراهم می‌آورد. تأکید بر عامل نزدیکی و کاربرد فعل دیدن که علاوه بر معنای صلاح دانستن (معین، ۱۳۸۲) می‌تواند دلالت بر نگرانی و نظارت بر اموال نیز داشته باشد. از نگاه رویکرد پویا، کاربرد واژه انتزاعی حق و استفاده از حرکات بدن^۱ نظیر نشان دادن مشت بسته به هنگام کاربرد پارکفت (۲) تصویری دوگانه در ذهن ایجاد می‌نماید که نمایانگر پویایی بین معنای تحت‌اللفظی و معنای استعاری یا به بیان **گیبیز و کامرون** (۲۰۱۲) حرکت از تعادل به عدم تعادل و بازگشت دوباره به حالت تعادل است. این فرایند ذهنی را می‌توان در پارکفت (۳) نیز مشاهده کرد. در این پارکفت، عبارت دور شدن از بحث بر مبنای اصل خودسازماندهی و با استفاده از طرحواره تصویری دوری-نزدیکی دو تصویر متفاوت را خلق نموده است.

۳. تا از بحث دور نشدیم بگم که بله مجلس قدرت داره اما این یه پتانسیله.

در تصویر نخست، دوری و نزدیکی فیزیکی به ذهن متبادر شده و در تصویر دوم پس از ایجاد ناپایداری موقت و ناپدید شدن معنای اول، معنای استعاری دیگری از واژه دوری خلق و درک می‌شود. در میان تغییر فاز از حوزه فاصله فیزیکی به حوزه معنای استعاری و در اثر درهم کنش پیوسته میان ذهن، بدن و جهان پیرامون استعاره‌های اولیه‌ای شکل می‌گیرد که مبنای بروز و ظهور رفتار استعاری در پارکفت (۳) محسوب می‌شود. بر اساس نظریه نظام‌های پویا، طرحواره دور-نزدیک و استعاره اولیه نزدیکی برای مفاهیم مالکیت و نظارت در نمونه‌های (۱-۳) با هم جفت^۲ شده‌اند.

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که در خلق معنای استعاری در داده‌های (۱-۳) درهم‌کنش طرحواره‌های ذهنی (دوری-نزدیکی) و استعاره‌های اولیه (نزدیکی یعنی نظارت یا کنترل) در کنار سایر مؤلفه‌های بافتی و در مقیاس‌های زمانی متفاوت حائز اهمیت است. ویژگی گذرایی و وابسته به زمان بودن در طرحواره‌های ذهنی موجود در نمونه‌های (۱-۳) و همچنین ماهیت پویای فرایند خلق استعاره باعث تنوع استعاره‌ها بر اساس بافت گفتمان و نیز عدم امکان پیش‌بینی عبارات استعاری بر اساس اجزاء تشکیل دهنده آنها می‌شود. از نگاه رویکرد پویا به استعاره،

1. gesture

2. couple

همانطور که در طبیعت عناصری نظیر درجه حرارت، فشار هوا و میزان رطوبت در ایجاد دانه‌های زیبای برف دخالت دارند، در خلق عبارات استعاری فوق نیز عواملی نظیر تجارب مکرر و روزمره ما، مؤلفه‌های فرهنگی، ویژگی‌های بیولوژیک بشر، مناسبات اجتماعی، فضا و زمان گفتگو به صورت غیرآگاهانه و غیرخطی تأثیرگذار بوده و نقش ایفا می‌نمایند.

از دیگر ویژگی‌های طرحواره‌های ذهنی که در نظریه نظام‌های پویا بر آن تأکید شده و نقش کششگر را در ایجاد بستر مناسب برای خلق استعاره ایفا می‌نماید مفهومی است که **هامیه** (۲۰۰۵) آن را مؤلفه دوقطبی بودن^۱ یا وجه ارزشی^۲ می‌نامد. در پارگفت (۴)، طرحواره عمودی بودن باعث خلق استعاره اولیه "بالا خوب است و پایین بد است" شده و شرایط لازم را برای به‌کارگیری دو عبارت افت کردن یا نزول کردن در معنای استعاری فراهم آورده است. در پارگفت (۵) نیز استفاده از دو واژه رأس و ذیل ایجاد نوعی محور عمودی و ارزشی می‌نماید. تجربه روزمره ما از دو مفهوم بالا و پایین (عمود بودن) که در راستای ویژگی‌های زیست‌شناختی ما از قبیل وضعیت بدن، شیوه ایستادن و حفظ تعادل عمل می‌کند در کنار مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی (**کووچش**، ۲۰۰۵: ۲۴۶) کاربرد عبارات استعاری فوق را تسهیل می‌نماید.

۴. اگر ببینیم که ارزش رأی ما افت کرده، نزول کرده باز هم عرصه رو خالی نخواهیم کرد.

۵. مجلس قراره در رأس امور باشه نه در ذیل امور...

نکته قابل ذکر در باب طرحواره‌های مورد استفاده در پارگفت‌های (۴-۵) این است که این طرحواره‌ها را نباید بازنمون ثابت و از قبل تعریف شده ذهنی و مجزا از تجارب جسمانی افراد دانست. میان طرحواره‌های ذهنی نظیر عمودی بودن (بالا-پایین) و استعاره‌های اولیه‌ای از قبیل "بالا خوب است و پایین بد" رابطه‌ای در راستای ویژگی‌های حسی-حرکتی انسان وجود دارد که نشأت گرفته از تجارب بدنمند ما از دنیای پیرامون است. نکته حائز اهمیت در مورد نمونه‌های (۴-۵) بیان اندیشه‌ها نگرش‌ها، و ارزش‌های فردی و اجتماعی در قالب عبارات استعاری است. بر اساس ویژگی نظام‌مندی استعاره (**کامرون**، ۲۰۱۰)، در پارگفت‌های (۴-۵)، واژه‌های افت، نزول و رأس به عنوان واژه‌های حامل (**گیبیز** و **کامرون**، ۲۰۰۸) با تبعیت از شرایط فرهنگی و محیطی جامعه فارسی زبان نوعی بار معنایی منفی و مثبت را منتقل نموده‌اند. در قالب اصل خودسازماندهی و در راستای درهم‌کنش غیرخطی نیروهای درونی در

نظام‌های پیچیده پویا و همچنین در تعامل میان زبان، ذهن و محیط پیرامون، این معنای ارزشی سهم قابل ملاحظه‌ای در بیان نگرش‌ها و انتقال ارزش‌های فردی و جمعی گویشوران زبان فارسی خواهد داشت.

در پارگفت (۶) نیز انتخابات به عنوان یک طرحواره ذهنی ظرف و مظروفی و فرایند رأی دادن به صورت طرحواره مسیر حرکت به سوی یک هدف مفهوم‌سازی شده است. طرحواره مبدأ-مسیر-هدف در پیوند با استعاره اولیه "تکمیل یک کار رسیدن به هدف است" به عنوان دو کششگر یا دو الگوی ظهوریافته در کل نظام پویا و در تعامل میان سه عنصر ذهن، بدن و دنیای پیرامون مقدمات ایجاد خلق الساعه عبارات استعاری را فراهم می‌آورد.

۶. و قطعاً در انتخاباتی که ببینیم رأی‌مون اثرگذار است و به یک نتیجه مشخص منتهی خواهد شد شرکت خواهیم کرد...

این دو طرحواره ذهنی میان تجاربی ملموس از قبیل رأی دادن به عنوان کنش حسی-حرکتی و استدلال‌های انتزاعی (مشارکت با هدف تأثیرگذار بودن در سرنوشت کشور) ارتباط ایجاد می‌نمایند. آنچه باید در باب طرحواره‌های ذهنی نظیر ظرف و مسیر حرکت در نمونه (۶) بیان کرد این است که این نوع طرحواره‌ها به صورت ناخودآگاه و در حین گفتگو میان شرکت‌کنندگان خلق و درک می‌شوند، ماهیتی گذرا و آنی دارند و از تجارب بدنمند ما در رابطه با انتخابات پیشین نشأت می‌گیرند.

در یک مناظره (گفتگو)، مجموعه‌ای از استعاره‌های نظام‌مند از طریق کاربرد واژه‌های حامل به عنوان روشی برای به اشتراک گذاشتن اندیشه‌ها و عقاید ظهور پیدا می‌کنند. واژه‌های حامل در پارگفت (۷) عبارت از گرم، پای، هدیه، کادو، راه و سیاه بوده که به صورت لایه‌ای و تودرتو در تعامل با سایر عوامل پویا منجر به ظهور الگوهای متنوع در سطوح و مقیاس‌های متفاوت در گفتمان می‌شود. نکته قابل ذکر این که کاربرد استعاری این واژه‌ها اگر چه بر مبنای استعاره‌های اولیه‌ای نظیر "گرما خوب است و سرما بد" یا سفید خوب است و سیاه بد استوار است، اما این استعاره‌ها را نمی‌توان عباراتی ثابت و ذخیره شده در ذهن دانست که به محض نیاز انتخاب شده و مورد استفاده قرار می‌گیرند. عبارات استعاری موجود در نمونه (۷) بسته به موقعیت نظام پویا، شرایط بافتی گفتمان و کنش بین شرکت‌کنندگان در گفتگو تولید می‌شوند.

۷. اونی که می‌خواد انتخابات گرم نباشه، اونی که می‌خواد مردم پای انتخابات نیان و اعتراضی که مردم می‌خوان با شرکت

نکردن در انتخابات نشان بدن... او داره کادوشو می‌گیره، او داره هدیه‌شو دریافت می‌کنه از مردم... کسی که در

انتخابات رأی نمیده، هدیه‌شو داره تقدیم می‌کنه به کسانی که مسبب وضع موجودن... کسانی که می‌خوان با پایین

آوردن مشارکت مردم راه خودشونو و جعبه سیاه تصمیمات خودشونو سیاه‌تر کنن.

در علم فیزیک، گرما بر جابجایی مولکول‌ها در اجسام دلالت دارد (کریپکه^۱، ۱۹۸۰: ۱۲۹)، اما کاربرد مفاهیم مربوط به دما در زبان فارسی و در راستای اصل بدنمندی معنا، برای بیان عواطف یا هیجانات چشمگیر است. در پارگفت (۷)، کاربرد واژه گرم به معنای پررونق و شلوغ (دهخدا، ۱۳۱۰) برای بیان حضور یا جنب و جوش پرشور مردم در انتخابات به کار رفته است. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که استعاره اولیه گرما مطلوب است به صورت منفعل در ذهن سخنوران وجود ندارند، بلکه حاصل تعامل میان ذهن، بدن و بافت موجود در جهان پیرامون می‌باشد. حال سوالی که باید به آن پاسخ داد این است که تأثیر مؤلفه‌های نظام‌های پویا از قبیل اصل ظهوریافتگی یا اصل خودسازماندهی را چگونه می‌توان در تولید عبارات استعاری مشاهده کرد؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان به نمونه‌ای از ساختار خودسازمانده در طبیعت اشاره کرد. لانه مورخانه‌ها در استرالیا از جمله ساختارهای زیبای معماری در طبیعت محسوب می‌شود. در ایجاد این ساختارها مورخانه‌ها طرح یا ساختار کلی از لانه در ذهن ندارند. هر مورخانه با دیدن دانه‌های خاک بر اساس گزینه آن را در مکان مناسب قرار می‌دهد. در این فرایند، پیشرفت ساختار لانه و تکامل تدریجی آن شیوه رفتار آتی تک‌تک مورخانه‌ها را مشخص می‌نماید (همان: ۲۶۲). شکل زیر یکی از مظاهر نظام‌های پیچیده پویا در طبیعت را نشان می‌دهد.



شکل ۲. لانه مورخانه

برگرفته از <https://australian.museum/learn/animals/insects/termites>

بر اساس رویکرد پویا، تولید عبارات استعاری موجود در پارگفت (۷) نیز از همین رویه پیروی می‌نماید. جنبه‌هایی از استعاره نظیر منشأ عبارات استعاری، چرایی کاربرد واژه‌های نشان دهنده دما در این عبارات، شیوه شکل‌دهی به

استعاره‌ها (قیاس عدم حضور در انتخابات با کادو دادن) و چگونگی کاربرد طرحواره تصویری (عمودی بودن) از مظاهر اصل خودسازماندهی و ظهور یافتگی در تولید استعاره می‌باشند. در روند تولید این عبارات استعاری عوامل متعددی از قبیل بافت، کششگرهای فرهنگی، ویژگی‌های زیستی، معماری ذهن و زمان گفتگو در تعامل غیرخطی با هم نقش ایفا می‌کنند.

از دیگر عوامل تأثیرگذار در تولید و درک عبارات استعاری می‌توان به مقیاس‌های زمانی اشاره کرد که ممکن است در دوره‌های زمانی متفاوت نظیر چند هزارم ثانیه، چند سال یا چند هزار سال رخ دهد. عبارات استعاری موجود در پارگفت‌های (۵-۱) بر مبنای کششگرهای متنوع از قبیل طرحواره‌های تصویری دور-نزدیک و یا طرحواره بالا-پایین شکل می‌گیرند و ریشه در فرهنگ، سبک زندگی، مبانی فیزیولوژیک و معماری شناختی جوامع بشری دارند. اما در پارگفت (۷) تقدیم کادو به مخالفین شرکت در انتخابات یا رقیب انتخاباتی ممکن است از آن دسته عبارات استعاری باشد که از نظر گالس^۱ و لیکاف (۲۰۰۵) محصول در هم کنش ذهن، زبان و شرایط محیطی در بازه زمانی کوتاه‌تری باشد. چنین عباراتی ممکن است شامل افکار موجود در ذهن افراد در باب یک موضوع مورد مذاکره، یک پارگفت استعاری که به تازگی بیان شده یا حرکات بدن با معنای استعاری باشد. در چنین موقعیتی، گوینده تلاش می‌کند شنونده را برای پذیرش یک نقطه نظر یا انجام یک رفتار هیجانی خاص اقناع نماید. شایان ذکر است این مقیاس‌های زمانی ماهیت مستقل ندارند، بلکه به صورت سلسله مراتبی در بر هم قرار گرفته و در هم تنیده هستند.

نکته‌ای که در باب پارگفت (۷) راجع به الگوهای متنوع و غیرقابل پیش‌بینی در کاربرد عبارت استعاری "دادن کادو یا هدیه به کسانی که مسبب وضع موجود" می‌توان بیان کرد این است که در این عبارت در قیاس با سایر عبارات از جمله طرحواره عمودی بودن یا استعاره اولیه "گرما مطلوب است"، می‌توان نوعی بدعت یا تنوع مشاهده کرد. حال ممکن است این سؤال در ذهن متبادر شود که: چه عامل یا عنصری باعث ایجاد تنوع یا غیرقابل پیش‌بینی شدن عبارات استعاری شده است؟

در پاسخ می‌توان گفت در راستای اصل ظهوریافتگی در نظام‌های پویا (کامرون و دیگنان، ۲۰۰۶: ۶۸۷)، یک عنصر به ظاهر ناچیز در ذهن گوینده راجع به افراد، تجارب بدنمند سخنوران، بی‌طرف بودن یا جانبدار بودن مجری برنامه یا نکته‌ای که شرکت‌کننده پیشین بیان کرده است می‌تواند بر کل نظام تأثیر گذاشته و تغییراتی قابل توجه در گفتمان ایجاد نماید. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت تفاوت‌های جزئی در تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی

در یک جامعه و همچنین تحصیلات، سبک زندگی و عوامل متعدد دیگر باعث ظهور عبارات استعاری متفاوت یا اصطلاحاً تغییر فاز در مسیر گفتمان می‌شود. اما امکان پیش‌بینی این امر که کدام تغییرات جزئی به تغییر فاز یا ایجاد عبارات استعاری نوین منجر خواهد شد وجود ندارد.

یکی از فرایندهایی که در مناظره یا گفتگوی چهره به چهره میان افراد شکل می‌گیرد فرایندی است که کامرون (۲۰۰۳) آن را تکلم-و-تفکر می‌نامد. چنانکه در پارگفت‌های (۸-۹) می‌توان دید، تکلم-و-تفکر در یک فرایند پویا رخ می‌دهد و در این فرایند شرکت‌کنندگان به طور پیوسته در حال تفسیر سخن همدیگر و در عین حال جرح و تعدیل سخنان خود همزمان با شکل‌گیری نیات و پیشبرد عواطف می‌باشند. در پارگفت (۸) واژه‌های شفاف، غرق شدن، بار طرح را سنگین کردن، مقابل موضوع ایستادن، سنگین کردن و هزینه گذاشتن روی دست حاوی ترکیبات، استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های تصویری هستند که مبنای ظهور و بروز معنای استعاری محسوب می‌شوند.

۸. به مجلس گفتن شفاف شو... مجلس گفت اگه من شفاف بشم من که غرق می‌شم بذار دیگران رو هم با خودم غرق کنم...

۹. مجلس بار این طرح رو چنان سنگین کرد که مجمع در مقابل این موضع ایستاد و گفت این سنگین کردن، هزینه گذاشتن رو دسته...

در عبارات استعاری موجود در نمونه (۸)، گوینده با استفاده از طرحواره‌هایی نظیر شفافیت مطلوب است این وضعیت را برای مردم امتیاز اما برای مسئولین معادل غرق شدن و هلاک شدن می‌داند. کاربرد جنبه‌های بصری از قبیل شفافیت، استفاده از عبارات بدنمند در حوزه اقتصادی نظیر گذاشتن هزینه روی دست، بهره بردن از طرحواره نیرو مانند سنگین کردن بار طرح و کاربرد طرحواره عمودی بودن برای نشان دادن مقاومت در برابر یک عقیده (لازمه مقاومت ایستادن به صورت عمودی است) از نمونه‌های وجود کششگرهای متفاوت و نقش آنها در ایجاد رفتار استعاری می‌باشد.

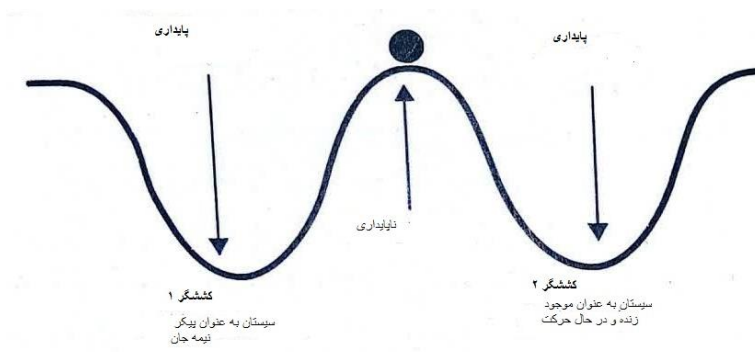
نمونه‌ای دیگر از دخالت عوامل پویا در ظهور عبارات استعاری را می‌توان در نمونه‌های (۱۱-۱۰) دید. در این پارگفت‌ها، از تضاد در واژه حامل استفاده می‌شود. این فرایند را می‌توان نوعی راهکار در جهت تغییر استعاره^۱ است (کامرون، ۲۰۱۰: ۸۹) دانست. در پارگفت (۱۰)، سیستم به صورت یک پیکر نیمه‌جان تصور می‌شود که در حال مرگ است و از همین رو گوینده از واژه‌های حامل نفس‌های آخر را کشیدن جهت بیان بدنمند این وضعیت نامطلوب استفاده کرده است. در این مرحله، گوینده طرحواره جسد نیمه‌جان را به عنوان کششگر غالب ارائه می‌دهد.

این کششگر تحت تأثیر دانش پیشین ما از استان سیستان شامل فقر، بی‌آبی، گرد و خاک موسمی، عدم وجود امکانات زندگی و .. ایجاد می‌شود.

۱۰. من بیچۀ سیستان هستم. سیستان نفس‌های آخر خودشو داره می‌کشه و تا عید آب شرب هم دیگه نداریم. یعنی هوا که نداشتیم، آب هم دیگه نداریم.

۱۱. سیستان بحران‌های بسیاری رو پشت سر گذاشته... این بحران رو هم پشت سر خواهد گذاشت.

مفهوم‌سازی دوم در پارگفت (۱۱) تحت تأثیر استعاره مناطق جغرافیایی موجود زنده و در حال حرکت هستند ایجاد شده است. چنانچه در بحث مربوط به تصویر (۱) در بالا اشاره شد، استعاره‌های مفهومی در کنار طرحواره‌های تصویری گوینده را قادر می‌سازند تا با بهره‌مندی از مؤلفه‌های بدنمند، تصویری از جهان پیرامون ارائه دهد که لزوماً وجود خارجی نداشته باشد بلکه ساخته و پرداخته ذهن فرد باشد. از همین رو است که در پارگفت‌های بالا، استان سیستان گاهی به صورت یک جسد نیمه جان و گاهی به شکل یک انسان زنده و پویا تصویرسازی می‌شود. شکل زیر وجود و کاربرد کششگرهای مختلف در ایجاد پایداری و ناپایداری در نظام پیچیده زبان و مناظره‌ها را نشان می‌دهد.



شکل (۳). وجود کششگرهای مختلف در نظام‌های خودسازمانده برگرفته از گیبز ۲۰۱۲

در پارگفت‌های (۱۱-۱۰)، موقعیت-محوری طرحواره‌های ذهنی و وابستگی آنها به بافت محیطی و فرهنگی گفتمان را می‌توان مشاهده کرد. وقتی گوینده اول به عنوان یک فرد بومی استان سیستان بر مبنای مؤلفه‌های شناختی، فرهنگی-اجتماعی و بدنمند پارگفت (۱۰) را بیان کرده یا زمانی که گوینده دوم (مجری برنامه، اهل تهران) با اظهار پارگفت (۱۱) با گوینده اول مخالفت می‌نماید، می‌توان نوعی جرح و تعدیل در گفتمان را مشاهده کرد که سبب توسعه و جریان یافتن گفتگو می‌شود. چنان که در پارگفت‌های (۱۱-۱۰) می‌توان دید، گاهی نه یک عبارت استعاری بلکه خوشه

استعاری^۱ در گفتمان با هدف تبیین موضوعات حساس و حیاتی به کار گرفته می‌شود. در چنین زمانی، به نظر می‌رسد ظهور عبارات استعاری (سیستان به عنوان موجودی نیمه جان یا موجودی زنده و پویا) با هدف گشودن نوعی گره گفتمانی (کامرون، ۲۰۰۷) بوده است که مانع جریان روان و روبه جلوی گفتگو شده است.

تأثیر دو عامل تغییر و ظهور یافتگی در کنار سایر عناصر فرهنگی و مؤلفه‌های بافتی-شناختی در پارگفت‌های (۱۱)- (۱۰) شرایط مقتضی برای خلق عبارات استعاری را فراهم آورده است. چنانکه در شکل (۳) می‌توان دید، ایجاد و درک عبارت استعاری اول باعث ایجاد نوعی ثبات یا پایداری در وضعیت فعلی نظام پیچیده گفتگو می‌شود. در مرحله دوم و پس از گذشت زمان و ایجاد ناپایداری موقت در نظام پویا، کششگر دوم بر مبنای شرایطی متفاوت از شرایط پیشین اما تحت تأثیر کاربرد عبارت استعاری پیشین درباره شرایط استان سیستان ساخته می‌شود و پس از دوره کوتاه ناپایداری، نظام پویا دوباره حالت پایداری را تجربه می‌نماید. از نظر بعضی محققین (گیبیز و کولستون^۲، ۲۰۱۲: ۱۳۴)، تفاوت دیدگاه پویا با منظرهای پیشین به ویژه دیدگاه مفهومی استعاره این است که در رویکرد پویا به استعاره، نگاشت‌های استعاری از ابتدا در ذهن ما وجود ندارد، بلکه تحت تأثیر عوامل بافتی و محیط پیرامون از جمله وجود یا عدم وجود استعاره‌های مفهومی، حرکات بدن، سن، جنسیت و رابطه عاطفی میان گوینده و شنونده در ذهن شکل می‌گیرند. وجود تفاوت‌های جزئی در این عوامل و همچنین در هم کنش غیرخطی آنها در مقیاس‌های زمانی متفاوت باعث می‌شود تولید و درک پارگفت‌های استعاری در نظام پویا غیرقابل پیش‌بینی شود. آنچه کاربرد و درک پارگفت‌های استعاری (۱۱-۱۰) را رقم می‌زند اجزاء پارگفت و معنای تک‌تک عبارات استعاری نیست، بلکه نوعی سلسله مراتبی از بالا به پایین وجود دارد که در مقیاس‌های زمانی مختلف، تحت تأثیر اسباب و علل غیرخطی و در راستای سایر عبارات استعاری بیان شده در پارگفت‌های پیشین در تعامل میان ذهن، زبان و محیط پیرامون ظهور می‌نمایند.

در پارگفت‌های زیر عباراتی همچون بازنده، باختن و زیر میز بازی زدن عناصر مربوط به بازی قمار را در ذهن متبادر می‌کند. استعاره مفهومی "سیاست قمار است" می‌تواند کششگر اصلی در سوق دادن گوینده به سوی تولید پارگفت‌های (۱۲) باشد. از طرف دیگر، واژه‌های تماشاگران، تبانی و بازیکن‌ها تصاویر ذهنی دیگری را خلق می‌نماید که برگرفته از استعاره مفهومی "زندگی بازی است" می‌باشد. مفهوم‌سازی زندگی به عنوان قمار یا بازی به نظر می‌رسد از آن گونه استعاره‌هایی باشد که به گفته گیبیز (۲۰۱۲) در طی مقیاس زمانی بسیار طولانی و بر مبنای مؤلفه‌های

1. metaphorical cluster

2. Colston

فرهنگی و ساختار بیولوژیک و سبک زندگی شکل می‌گیرند.

۱۲. بعضی‌ها می‌گن چون ما بازنده‌ایم، باختیم نمی‌یایم... ما بازنده‌هایی نیستیم که قصدمون این باشه که زیر میز بازی بزنی... اتفاقا ما تماشاگرانی بودیم که در تمام طول این سال‌ها شاهد تباری کهنه بازیکن‌ها و پیرمردهای سیاس بی سیاست در عرصه سیاسی کشورمون بودیم. اما این بار فرق می‌کنه... فرقی اینه که ما می‌خوایم نماینده‌ای داخل مجلس باشه که در مقابل این نهادهای موازی قد علم کنه...

نکته حائز اهمیت اینکه بر خلاف آنچه در رویکردهای پیشین از قبیل استعاره مفهومی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰) و فضای آمیخته (فوکونیه و ترنر^۱، ۲۰۰۲) تصور می‌شود، استعاره در رویکرد پویا محصولی ایستا و قابل پیش‌بینی تلقی نمی‌شود. فرایند تولید و درک استعاره در راستای اصل خودسازماندهی نظام زبان و در اثر درهم‌کنش مؤلفه‌های مختلف و عناصر درونی نظام مراحل متعدد پایداری، عدم پایداری و برگشت به حالت پایداری را طی می‌نمایند. در پارگفت‌های فوق، فرد مخالف شرکت در انتخابات با اشاره ضمنی به تحولات چند دهه گذشته در ایران، خود و همفکران خود را بازنده معرفی می‌نماید. در کاربرد استعاری این عبارات علاوه بر عوامل واژگانی، مفهومی، کاربردشناختی و اجتماعی-فرهنگی مختلف، درهم‌کنش این عناصر در مقیاس‌های زمانی و گروه‌های اجتماعی خاص (گیبیز، ۲۰۱۲) نیز تأثیرگذار است. کاربرد عباراتی دیگر نظیر کهنه بازیکن‌ها که در قیاس با عبارت شناخته شده کهنه سر بازها خلق شده است و همچنین واژه‌های عرصه و قد علم کردن پیر و استعاره اولیه "مقاومت ایستادن به صورت عمودی است" تصویر ذهنی جنگ را به ذهن متبادر کرده و از همین رو، استعاره مفهومی عرصه سیاسی میدان نبرد است به عنوان کششگر اصلی گوینده و شنونده را به سوی خلق و درک عبارات استعاری فوق می‌کشاند. مختصر این که، در عبارات استعاری از این نوع عناصر گوناگون از جمله کششگرهای متنوع، ظرف زمانی و مکانی و تعامل غیرخطی مؤلفه‌های تأثیرگذار از قبیل تجارب روزمره ما از برد و باخت در بازی‌ها، نقش تماشاگران، فساد سیاستمداران و عناصر پویای درون نظام از قبیل عناصر فرهنگی، ساختار اجتماعی و سیاسی و نیز شیوه حکمرانی در کشور نقش اساسی ایفاء می‌نمایند.

۶. نتیجه‌گیری و بحث

تحقیق حاضر با هدف بررسی کاربرد استعاره در چارچوب نظریه نظام‌های پویا و با تأکید بر مفاهیم تغییر،

خودسازماندهی و ظهوریافتگی در نظام‌های اجتماعی و شناختی انجام شده است. تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده نشان داد که در توجیه رفتار استعاری در قالب اصل خودسازماندهی، عوامل متعددی نظیر کششگرهای متعدد، مقیاس‌های زمانی و عناصر پویای درون نظام از اهمیت بسزایی برخوردار هستند.

در باب شناسایی نقش جنبه‌های بدنمند عوامل پویا در بروز و ظهور عبارات استعاری به این نتیجه رسیدیم که کششگرهایی نظیر طرحواره‌های ذهنی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰) و استعاره‌های اولیه که ریشه در تجارب پرتکرار و بدنمند بشر دارند (گریدی، ۱۹۹۹) بستر ایجاد پایداری و ثبات در فرایند خلق استعاره محسوب می‌شوند. تحلیل نمونه‌های بررسی شده نشان داد مبنای بدنمند طرحواره‌دوری-نزدیکی در پارگفت هیچ انسان عاقلی حق خودشو دور از خودش نمی‌بیند و استعاره اولیه "بالا بیشتر است" در پارگفت مجلس قراره در رأس امور باشد نه در ذیل امور به عنوان کششگرهای متفاوت نقاط پایداری و تعادل در مسیر ایجاد رفتار استعاری محسوب می‌شوند. ضمن اینکه، بر مبنای اصل نظام‌مندی استعاره (کامرون، ۲۰۱۰: ۹۱)، واژه‌های حامل (گیبز و کامرون، ۲۰۰۸) نظیر واژه‌های نشان دهنده محور عمودی (افت، نزول)، کلمات نشان دهنده دما (گرم)، واژه‌های بیانگر فاصله (دور، جدا) و رنگ‌واژه‌ها (سیاه، شفاف) در راستای شرایط فرهنگی و محیطی گویشوران زبان فارسی، نوعی بار معنایی ارزشی (منفی و مثبت) را منتقل می‌نمایند.

در بحث نقش مفهوم ظهوریافتگی در اظهار دیدگاه و بیان اندیشه‌ها و ارزش‌ها، چنانکه گفته شد استعاره زبان‌شناختی با شبکه‌ای از عقاید و الگوهای مفهومی و عاطفی مرتبط است که با کنش‌های جسمانی و تجارب بدنمند انسان در ارتباط بوده و جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی، ارزش‌ها، اندیشه‌ها و احساسات افراد را آشکار می‌نماید. در بررسی داده‌ها دریافتیم که سه ضلعی گفتمان، شناخت و فرهنگ (هوانگ، ۲۰۲۲) نقش قابل توجهی در بیان اندیشه‌ها و ارزش‌ها ایفا می‌کند. بکارگیری استعاره‌های مفهومی (مناطق جغرافیایی جاندار هستند یا به طور اخص سیستان جسد نیمه جان یک انسان است) و کاربرد طرحواره‌تصویری (حرکت زندگی است) به عنوان کششگر در کنار سایر عناصر فرهنگی و مؤلفه‌های بافتی-شناختی (هامپه، ۲۰۰۵: ۱۰۶) شرایط مقتضی برای خلق عبارات استعاری را فراهم می‌آورد.

در باب الگوهای خلاقانه و غیرقابل پیش‌بینی در رفتار استعاری، داده‌های تحلیل شده نشان داد که تنوع در موضوعات و واژه‌های حامل (کامرون، ۲۰۰۷ الف) در کنار عوامل شناختی، عاطفی و زبان‌شناختی زمینه‌ایجاد طرحواره‌های ذهنی و استعاره‌های اولیه‌ای را فراهم می‌نماید که بر پایه تنوع تجارب زیستی و مؤلفه‌های فرهنگی جامعه

گویشوران استوار هستند. چنانچه در تحلیل داده‌ها گفته شد برای مفهوم‌سازی یک موضوع واحد (انتخابات) واژه‌های حامل (کامرون، ۲۰۰۷ الف) متفاوت (قمار، حق) به کار برده شده است. این تنوع مفهوم‌سازی ریشه در شناخت، تجربه، فرهنگ و عوامل عاطفی داشته و در راستای فرایند جفت‌شدگی ادراک و رفتار (گیبیز، ۲۰۱۳: ۳۶۱) باعث فهم و استدلال متفاوت از دنیای پیرامون و ظهور عبارات استعاری متفاوت و غیرقابل پیش‌بینی می‌شود. بنابر آنچه گفته شد تفاوت‌های جزئی و اندک در تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی در یک جامعه منجر به ظهور عبارات استعاری متفاوت می‌شود. اما این که کدام تغییرات جزئی به تغییر فاز یا ایجاد عبارات استعاری نوین منجر خواهد شد قابل پیش‌بینی نیست.

بحث پایانی اینکه در حالی که مطالعات شناختی گذشته در زمینه استعاره عمدتاً به مطالعه توانایی ذهنی افراد در ایجاد نگاشت میان دو حوزه محدود می‌شد، مطالعه حاضر در قالب نظریه نظام‌های پویا (کامرون، ۲۰۱۰؛ گیبیز و کامرون، ۲۰۰۸؛ گیبیز، ۲۰۱۲) و با بهره‌مندی از مفاهیم و چارچوب‌های ارائه شده در این رویکرد تفسیری یکپارچه‌تر از کنش استعاری در گفتمان به دست می‌دهد که در آن بر نقش جنبه‌های شناختی، معنایی، عاطفی و اجتماعی-فرهنگی استعاره تأکید شده است. نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر در قالب رویکرد شناختی و در راستای سایر مطالعات انجام شده در این چارچوب بر مفاهیمی چون طرحواره‌های ذهنی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰)، استعاره‌های اولیه (گریدی، ۱۹۹۹) و اصل بدنمندی معنا (گیبیز، ۲۰۱۷) استوار است، اما از این جهت که این مفاهیم را در بافت اجتماعی، بافت زمانی و در قالب فرایندی خودسازمانده می‌نگرد با مطالعات شناختی پیشین متفاوت است. بر این اساس می‌توان ادعا نمود که این نگاه به استعاره در قیاس با رویکردهای پیشین شیوه‌ای جامع‌تر در توجیه چگونگی ساختاری شده عبارات استعاری در گفتگوهای رودررو ارائه نموده و با تمرکز بر ارتباط دوجانبه میان ذهن و زبان در گفتمان، به کنکاش در باب تعامل میان عوامل بدنمند اجتماعی، عاطفی، زبان‌شناختی و شناختی مختلف در گفتگوها می‌پردازد. به علاوه، تأکید رویکرد حاضر بر دخالت مقیاس‌های زمانی و اجتماعی متفاوت که به نحوی پیچیده، به صورت همزمان و غیرخطی در خلق و درک استعاره نقش ایفا می‌کنند نگرشی نو در مطالعه استعاره محسوب شده و می‌تواند به شیوه‌ای نظام‌مند رفتار استعاری گویشوران در یک گفتمان مناظره محور را توجیه نماید.

۷. کتابنامه

- دهخدا، ع. (۱۳۱۰). فرهنگ دهخدا. انتشارات دانشگاه تهران. برگرفته از <https://abadis.ir/dehkhoda>
- رضاپور، ا. (۱۳۹۶). نقش ایدئولوژی در ساخت و گزینش استعاره مفهومی مرگ در اشعار شاملو و فریدون توللی از منظر نظریه گفتمانی استعاره. *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۱۷(۹)، ۸۱-۱۲۰.
- لعل عارفی، ح.، شریعتی‌فر، ع.، و عشقی سردهی، ع. (۱۴۰۰). نقش استعاره مفهومی در ساخت و گزینش استعاره در اشعار احمد شاملو و نادر نادرپور براساس نظریه لیکاف و جانسون. *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۲۴(۱)، ۱۶۹-۱۹۰.
- <https://doi.org/10.22067/jlkd.2021.69343.1016>
- معین، م. (۱۳۸۲). فرهنگ لغت فارسی. انتشارات زرین. برگرفته از <https://abadis.ir/moeen>
- Cameron, L. (1994). Organizing the world: children's concepts and categories, and implications for the teaching of English. *ELT*, 48(1), 28-39.
- Cameron, L. (2003). *Metaphor in educational discourse. Advances in applied linguistics*. Continuum.
- Cameron, L. (2007a). Confrontation or complementarity? Metaphor in language use and cognitive metaphor theory. *Annual Review of Cognitive Linguistics*, 5, 107-135.
- <https://doi.org/10.1075/arcl.5.06cam>
- Cameron, L. (2007b). Patterns of metaphor use in reconciliation talk. *Discourse and Society*, 18(2), 197-222. <https://doi.org/10.1177/095792650707337>
- Cameron, L. (2010). The discourse dynamics framework for metaphor. In L. Cameron & R. Maslen (Eds.), *Metaphor analysis: Research practice in applied linguistics, social sciences and the humanities* (pp. 77-96). Equinox.
- Cameron, L., & Deignan, A. (2006). The emergence of metaphor in discourse. *Applied Linguistics*, 27(4), 671-690. <https://doi.org/10.1093/applin/aml032>
- Cameron, L., Maslen, R., Todd, Z., Maule, J., Stratton, P., & Stanley, N. (2009). The discourse dynamics approach to metaphor and metaphor-led discourse analysis. *Metaphor and Symbol*, 24(2), 63-89. <https://doi.org/10.1080/10926480902830821>
- Charteris-Black, J. (2006). *Politicians and rhetoric: The power of metaphor*. Palgrave Macmillan.
- Cienki, A. (1997). Some properties and groupings of image schemas. In M. Verspoor, K. D. Lee, & E. Sweetser (Eds.), *Lexical and syntactic constructions and the construction of meaning* (pp. 3-15). John Benjamins.
- Deignan, A. (1999). Linguistic metaphors and collocation in nonliterary corpus data. *Metaphor and Symbol*, 14(1), 19-36.
- Fauconnier, G., & Turner, M. (2002). *The way we think*. Basic Books.
- Gallese, V., & Lakoff, G. (2005). The brain's concepts: The role of the sensory-motor system in conceptual knowledge. *Cognitive Neuropsychology*, 22(3-4), 455-479.
- <https://doi.org/10.1080/02643290442000310>
- Gibbs, W. R. (2005). *Embodiment and cognitive science*. Cambridge University Press.
- Gibbs, W. R. (2012). Metaphors, snowflakes, and termite nests: How nature creates such beautiful

- things. In F. MacArthur, J. L. Oncins-Martinez, A. Piquer-Piriz, & M. Sancez-Garcia (Eds.), *Metaphor in use: Culture, context, and communication* (pp. 347–372). Benjamins.
- Gibbs, W. R. (2013). Metaphoric cognition as social activity: Dissolving the divide between metaphor in thought and communication. *Metaphor and the Social World*, 3(1), 54–76. <https://doi.org/10.1075/msw.3.1.03gib>
- Gibbs, W. R. (2016). Metaphor, language, and dynamical systems. In V. Koller, E. Semino, & Z. Damjen (Eds.), *The Routledge handbook of metaphor and language* (pp. 56-70). Routledge
- Gibbs, W. R. (2017). Embodiment. In B. Dancygier (Ed.). *The Cambridge handbook of cognitive linguistics* (pp. 449–462). Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1080/02643290442000310>
- Gibbs, W. R. (2019). Metaphor as dynamical–ecological performance. *Metaphor and Symbol*, 34(1), 33-44. <https://doi.org/10.1080/10926488.2019.1591713>
- Gibbs, W. R., & Cameron, L. (2008). The social-cognitive dynamics of metaphor performance. *Cognitive Systems Research*, 9(1–2), 64-75. <https://doi.org/10.1016/j.cogsys.2007.06.008>
- Gibbs, W. R., & Colston, H. (2012). *Interpreting figurative meaning*. Cambridge University Press.
- Goatly, A. (2007). *Washing the brain: Metaphor and hidden ideology*. John Benjamins.
- Grady, J. (1999). *Metaphors in cognitive linguistics*. John Benjamins.
- Hampe, B. (2005). When *down* is not bad, and *up* not good enough: A corpus-based assessment of the plus-minus parameter in image schema theory. *Cognitive Linguistics*, 16(1), 81–112. <http://doi.org/10.1515/cogl.2005.16.1.81>
- Huang, C. (2022). Metaphor analysis in political discourse based on discourse dynamics framework for metaphor: A case study. *Theory and Practice in Language Studies*, 12(1), 96-102. <https://doi.org/10.17507/tpls.1201.11>
- Kövecses, Z. (2005). *Metaphor in culture, universality and variation*. Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. (2015). *Where metaphors come from. Reconsidering context in metaphor*. Oxford University Press.
- Kripke, S. (1980). *Naming and necessity*. Oxford University Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. University of Chicago Press.
- Li, H., Bisiada, M., & Xu, Y. (2024). Applying the discourse dynamics approach to metaphors for women in the Spanish translation of the Chinese novel *Wei Cheng*. *Perspectives*, 32(2), 330-344. <https://doi.org/10.1080/0907676X.2022.2164735>
- Nassaji, Hossein. (2015). Qualitative and descriptive research: Data type versus data analysis. *Language Teaching Research*. 19(2), 129-132. <http://doi.org/10.1177/1362168815572747>
- Saddock, J. M. (1993). Figurative speech and linguistics. In A. Ortony (Ed.), *Metaphor and thought* (pp. 42-58). Cambridge University Press.